

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه نود و پنجم، ۱۵ فروردین ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/ربا/راهکارهای خروج حکمی و موضوعی از ربا

1- حدیث اخلاقی (لزوم استفاده از دنیا برای رسیدن به آخرت)

اولین روز درسی در سال ۱۴۰۰ است.

«یا مقلب القلوب و الابصار

یا مدبر اللیل و النهار

یا محول الحول و الأحوال

حول حالنا إلى أحسن الحال [1].»

ان شاء الله در این سال جدید و ایام باقی مانده در شعبان المعظم، ماه رسول معظم صلی الله علیه و آله، «الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَ الرَّضْوَانِ»، [2] در مسیر سیر و سلوک و اخلاقیات حرکت کنیم و اخلاق مان، اخلاق الهی باشد. ان شاء الله سال جدید بر شما مبارک باشد و ایام ماه شعبان، با میمنت باشد. در این روزهای باقی مانده، اعمال این ماه، صدقه، استغفار، صلوات بر محمد و آل محمد، صلوات شعبانیه و به خصوص مناجات شعبانیه نجوای ما باشد.

1.1- دنیا، مرکب مؤمن

حدیث اخلاقی امروز در بحار است:

عن أبي موسى الأشعري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا تسبوا الدنيا، فنعمت مطية المؤمن، فعلیها یبلغ الخیر وبها ینجو من الشر، إنه إذا قال العبد: لعن الله الدنيا، قالت الدنيا: لعن الله أعصانا لربه [3].»

دنیا را دشنام ندهید؛ چرا که بهترین مرکب هموار برای مؤمن است؛ بهترین وسیله و مرکب مؤمن، دنیا است؛ بر این دنیا سوار می شود و این مرکب، او را به خیرات می رساند و به وسیله این دنیا، از بدی ها نجات می یابد. کسی که دنیا را لعنت کند، دنیا می گوید: خدا کسی را لعنت کند که خدا را معصیت کرده است. دنیا نباید مذمت شود؛ شخص باید مذمت شود.

ناصر خسرو می گوید:

«نکوهش نکن، چرخ نیلوفری را برون کن ز سر، باد خیره سری را [4]»
دنیایی که می آید و می رود؛ سال ۹۹، سال ۱۴۰۰ می شود؛ این دنیا، ارزشمند است.

در حکمت ۱۳۱ نهج البلاغه در مورد دنیا آمده است: «مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ»؛ [5]

«الدنيا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ»؛ [6] تجارت خانه و مزرعه اولیای الهی است؛ بهترین تجارت ها را برای انسان دارد؛ وسیله ای است که اگر از آن خوب استفاده کند، نردبان عروج او به عالم دیگر می شود. دنیا لحظات عمر انسان است؛ روزی بیش از ۸۶۰۰۰ ثانیه، عمر ما شارژ می شود؛ باید از این عمر استفاده کنیم؛ ببینیم چه می خواهیم بشویم؛ نکند زندگی را مفت ببازیم؛ ارزان فروش و آسان فروش نباشیم؛ نفس نفس ما جز به بهشت و با بهشت، با چیز دیگری نباید معامله شود.

مرحوم سید رضی رضوان الله علیه:

«يقولون الزمان به فساد فهم فسدوا و ما فسد الزمان»؛ [7]

مردم می گویند روزگار فاسد است، ولی خودشان فاسد شدند؛ روزگار فاسد نمی شود.

1.2- سیره علما در بهره مندی از دنیا و زمان

مرحوم علامه حلی وقتی برای مسافرتش سوار الاغ می شد، در زمان سفر هم اهل نوشتن بود؛ چون حیوان تکان می خورد و قلم جا به جا می شد، جز فرزندش، کسی خطش را نمی توانست بخواند. صاحب جواهر این قدر با خود عهد کرده بود که تا صفحاتی از جواهر را ننویسد، نخوابد. اولیای الهی، شب زنده دار بودند؛ «شب مردان خدا، روز جهان افروز است [8].»

اهل سهر و سحر باشیم؛ اهل بیداری و لحظات خاص باشیم. ان شاء الله در سال جدید، برنامه ای برای کمال نفس مان داشته باشیم و از دنیای مان برای آخرت مان استفاده کنیم.

2- خلاصه جلسه گذشته

در مباحث بورس رسیدیم به خطوط قرمز آن، یعنی ربا و حرمت آن. گفتیم ربای قرضی و ربای معاملاتی داریم. به معامله محاببات رسیدیم. در قرض آیا می شود زیاده گرفت یا خیر؟ به عبارتی مواردی که از حکم ربا استثناء شده است، مواردی هست که موضوع، عوض شده و حکم، عوض می شود. گاهی کسی وامی می گیرد و می گوید به ازای آن، این خدمت را می کنم؛ چه عین و چه انتفاع و چه خدمت و منفعت، اشکال دارد؛ ولی اگر معامله کند به شرط وام، صحیح است؛ وام در ضمن عقد است و اشکال ندارد.

3- راهکارهای خروج از ربا

3.1- راهکارهای خروج حکمی از ربا

3.1.1- عدم ربا بین پدر و فرزند، ارباب و عبد، زن و شوهر، مسلمان و کافر حربی

معامله محاببات، خروج موضوعی دارد؛ مواردی حکماً از ربا استثنا شده است؛ زیاده هست و ربا هست، ولی حرمت ندارد؛ شارع مقدس، تخصیص زده است؛ تخصیصاً خارج نیستند. ربای بین پدر و فرزند، ربا بین ارباب و عبد، ربا بین زن و شوهر، ربا بین مسلمان و کافر حربی.

3.1.1.1- اقوال فقها در عدم ربا در بین این افراد (پدر و فرزند و ...)

3.1.1.1.1- صاحب جواهر رحمه الله

مثلاً در ربا بین پدر و فرزند، صاحب جواهر می‌فرمایند:

«تتمة فیها مسائل:

الأولى: لا ربا بین الوالد وولده إجماعاً محکماً مستفیضاً، إن لم یکن متواتراً، صریحاً وظاهراً، بل یمکن تحصیله [9].»

ادعای تواتر و اجماع محصل کردند. نظر مشهور فقها هم، همین است.

3.1.1.1.2- علامه حلی رحمه الله

«و لا ربا بین الوالد و ولده فلكل منهما أخذ الفضل»؛ [10]

هر یک می‌توانند فضلی بگیرند.

3.1.1.2- روایات در عدم ربا در بین این افراد (پدر و فرزند و ...)

3.1.1.2.1- روایت اول

صحیحه زاره در ج ۱۸ وسائل، ص ۱۳۵، باب ۷، از ابواب الربا:

وعن محمد بن یحیی، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن عیسی، عن یس الضریر، عن حریر، عن زرارة عن ابی جعفر علیه السلام قال: «لیس بین الرجل وولده وینه وین عبده ولا بین أهله ربا، إنما الربا فیما بینک وین ما لا تملك.»

قلت: فالمشركون بيني وبينهم ربا؟ قال: نعم، قال: قلت: فانهم مماليك فقال: إنك لست تملكهم إنما تملكهم مع غيرك، أنت وغيرك فيهم سواء، فالذي بينك وبينهم ليس من ذلك، لأن عبدك ليس مثل عبدك وعبد غيرك»؛ [11]

خیلی تعبیر زیبایی است؛ حضرت فرمودند: بین فرزند و پدر، و بین زن و شوهر ربا نیست. راوی می‌گوید: و از کسانی که ملک ما نباشند، پرسیدم. بعد حضرت فرمودند: در بین ما و مشرکان ربا هست؛ حضرت فرمودند: مشرکان برده هستند و تو به تنهایی نمی‌توانی مالک آنها بشوی.

این روایت را مرحوم کلینی در کافی، ج ۵، ص ۱۴۵ هم آوردند و مرحوم شیخ طوسی در استبصار، ج ۱، ص ۷۱ آوردند.

روایت هم از جهت سند صحیح است و تمام راویان ثقه هستند و در نتیجه قابل استناد است.

3.1.1.2.2-روایت دوم

محمد بن یعقوب، عن حمید بن زیاد، عن الخشاب، عن ابن بقاح، عن معاذ بن ثابت، عن عمرو بن جمیع، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «قال أمير المؤمنين عليه السلام: ليس بين الرجل وولده ربا وليس بين السيد وعبد ربا» [12].

امام صادق علیه السلام فرمودند: این قسم رباها منتفی است.

البته عمرو بن جمیع، توثیق نشده و روایت ضعیف است. ولی با توجه به اجماع و روایات دیگر قابل جبران هست.

3.1.1.2.3-روایت سوم

در فقه الرضا هم داریم، در مستدرک ج ۱۳، ص ۳۳۹، باب ۷، ح ۱ «و ليس بين الوالد و ولده ربا و لا بين الزوج والمرأة ربا و لا بين المولى و العبد و لا بين المسلم و الذمی» [13].

در سند فقه الرضا تأمل هست. اگر شما هم تأمل داشته باشید، قابل استناد نیست؛ ولی روایت به اجماع و روایات دیگر سندش، قابل جبران است.

این استثناها، صحیح است.

3.1.1.2.4-روایت چهارم

صحيحه على بن جعفر

«وإسناده عن علي بن جعفر، أنه سأل أخاه موسى بن جعفر عليه السلام عن رجل أعطى عبده عشرة دراهم على أن يؤدي العبد كل شهر عشرة دراهم، أيحل ذلك؟ قال: لا بأس [14].»

3.1.1.2.5-روایت ینجم

مستدرک، ج ۱۳، ص ۳۳۹، باب ۷، ح ۲ مانند همین است:

الجعفریات: أخبرنا عبد الله، أخبرنا محمد، حدّثني موسى قال: حدثنا أبي، عن أبيه، عن جدّه جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه عليّ بن الحسين، عن أبيه، عن عليّ (عليهم السلام) قال: «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): ليس بيننا وبين خدامنا ربا، نأخذ منهم ألف درهم ولا نعطيهم [15].»

3.1.1.2.6-روایت ششم

مرسله صدوق در وسائل، ج ۱۸، ص ۱۳۵:

محمد بن علي بن الحسين قال: قال الصادق عليه السلام: «ليس بين المسلم وبين الذمي ربا، ولا بين المرأة وبين زوجها ربا [16].»

3.1.1.2.7-استناد صاحب جواهر به روایت ششم و ادله دیگر در مورد عدم ربا بین زن و

شوهر

«وكذا لا ربا بين الرجل وزوجته إجماعا أيضا بقسميه، ولصحيح زرارة المتقدم سابقا مضافا إلى مرسل الصدوق عن الصادق عليه السلام «ليس بين المسلم وبين الذمي ربا، ولا بين المرأة و زوجها ربا» وهو مضافا إلى الفتاوى و معاهد الإجماعات، قرينة على إرادة الزوجة من الأهل، في صحيح زرارة لا غيرها [17].»

در نتیجه بین اینها ربا نیست و اینها استثنای حکمی ربا هستند؛ یعنی موضوع ربا هست ولی حکم ربا نیست.

3.2-راهکارهای خروج موضوعی از ربا (حیله‌های شرعی فرار از ربا)

3.2.1-بیع محاباتی (گرفتن سود در ضمن معامله دیگر)، یکی از حیله‌های شرعی فرار از ربا

بحث مهم دیگر، تغییر موضوع است که حرمت ربا را می‌گیرد و این مهم است. موضوعاتی که نزدیک به موضوع ربا است و ما باید اسمش را بدانیم. عنوان و اسم آن، موضوع‌شناسی معاملات ربوی است. گاهی در کتب فقهی، اسم آن را حیله‌های ربا می‌گویند. عنایت داشته باشید که کتاب الحیل باید بحث کنیم که در ابواب مختلف فقهی، عنوان حیل یا زرنگی داریم

که به خاطر آن زرنگی‌ها، می‌توانیم بعضی از موضوعات را از بعضی دیگر تشخیص دهیم؛ این دلیل بر این است که موضوع‌شناسی در فقه، مهم است؛ شناسایی موضوعات جاری از غیر جاری یا موضوعات ضروری از غیر آن، یا هر چه که اسمش بگذارید.

3.2.1.1- پیشینه بحث بیع محاباتی در کتب فقهی شیعه

اولین شخصی که موضوع بحث معاملات ربوی (حیله‌های شرعی) در کتاب‌های فقهی مطرح کرد، شیخ صدوق در مقنع، ص ۳۷۴ است. ایشان متوفای ۳۸۱ است. ایشان این طوری فرمودند: «اگر شخصی اسب خود را با اسب من معاوضه کند و چیز اضافه بگیرد، صحیح نیست و جایز نیست، ولی اگر این طور بگوید: اسب خود را به این مقدار به من بده و من به این مقدار اسبم را به تو می‌دهم، بعید نیست صحیح باشد [18].»

بعد سید مرتضی متوفای ۴۳۶، این بحث را در ناصریات، مسأله ۱۷۸ مطرح کردند [19]. بعد شیخ طوسی در خلاف، ج ۳، ص ۶۱ مطرح کردند - ایشان این کتاب را به خاطر تفاوت مبانی امامیه و اهل عامه نوشتند - بعد ایشان فرمودند: جایز است یک مد خرما و یک درهم را به دو مد خرما بفروشند، یا یک مد گندم و یک درهم را به دو مد گندم بفروشند، و یا یک مد جو و یک درهم را به دو مد جو بفروشند، یا به جای درهم در این مسائل، لباس یا چوب یا غیر اینها را از چیزهایی که در آن ربا است یا در آن ربا نیست، بفروشند.

نظر ابوحنیفه هم همین است [20].

از راه‌های فرار و چاره برای ربا را این دانستند که در ضمن معامله دیگر باشد. همان که در جلسات قبل گفتیم بیع محاباتی. مرحوم علامه حلی هم در نه‌ایة الاحکام، ج ۲، ص ۵۵۳ بحث را مطرح کردند؛ و همچنین در تذکره، ج ۱۰، ص ۲۰۱ مسأله ۹۸ این مسأله را مطرح کردند. شهید در درس که درس‌های ایشان بود، ج ۳، ص ۲۹۸ مطرح کردند. شهید ثانی هم، حیله‌های ربوی را قبول کردند. محقق اردبیلی در مجمع الفائده و البرهان، ج ۸، ص ۴۸۸ گفتند: حیله‌های ربوی در شرایط معمولی، بهتر است از آن اجتناب شود، ولی در صورت اضطرار، اشکال ندارد. صاحب ریاض در ج ۸، ص ۳۱۱ فرمودند: در صورت نیاز، اشکال ندارد. ایشان می‌فرماید بین شیعه در اینجا اختلافی نیست.

صاحب جواهر در ج ۲۳، ص ۳۹۶ بحث خروج از ربا و حیله‌های ربوی را مطرح کردند و به این نتیجه رسیدند که حیله‌های ربوی، اشکال ندارد؛ نظرشان این است که معاملات، باید تابع قصد باشد و قصد در معامله، چیز دیگری است؛ به عبارت بهتر ایشان قصد عقد را در عقد شرط نمی‌دانند.

4-نتيجه

نتيجه اينكه حيله‌هاى ربوى مطرح بوده است؛ بايد به متاخرين، حضرت امام و آقاى خوئى برسيم.

به نظر ما موضوع‌سازى معادل مى‌توانيم داشته باشيم و هم خروج حكى داريم و هم خروج موضوعى.

[1] زاد المعاد، العلامة المجلسي، ج ١، ص ٣٢٨.

[2] كليات مفاتيح الجنان، قمى، شيخ عباس، ج ١، ص ١٥٦.

[3] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٧٤، ص ١٧٨.

[4] ديوان ناصر خسرو، قسايد، قصيده شماره ٦.

[5] نهج البلاغه، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٣٣٧، حكمت ١٣١.

[6] ميزان الحكمة، المحمدي الري شهري، الشيخ محمد، ج ٤، ص ٦٧.

[7] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ٧٤، ص ١٧٨.

[8] سعدى، مواعظ، قسايد، قصيده شماره ٧.

[9] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ٢٣، ص ٣٧٨.

[10] قواعد الأحكام، العلامة الحلي، ج ٢، ص ٦٣.

[11] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ١٣٥، أبواب الريا، باب ٧، ح ٣، ط آل البيت.

[12] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ١٣٥، أبواب الريا، باب ٧، ح ١، ط آل البيت.

[13] مستدرک الوسائل، المحدث النوري، ج ١٣، ص ٣٣٩.

[14] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ١٣٦، أبواب الربا، باب ٧، ح ٦، ط آل البيت.

[15] مستدرک الوسائل، المحدث النوري، ج ١٣، ص ٣٣٩.

[16] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ١٣٦، أبواب الربا، باب ٧، ح ٥، ط آل البيت.

[17] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ٢٣، ص ٣٨١.

[18] المقنع، الشيخ الصدوق، ج ١، ص ٣٧٤.

[19] المسائل الناصريات، السيد الشريف المرتضي، ج ١، ص ٣٧٧.

[20] الخلاف، الشيخ الطوسي، ج ٣، ص ٦١.